

تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه

داده‌بنیاد

جواد کریمی^۱، همایون عباسی^۲، حسین عیدی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه*

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه داده‌بنیاد انجام شد. پژوهش حاضر در چهارچوب رویکرد کیفی انجام شده است و داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. جامعه آماری همه افراد متخصص و خبره در زمینه مشارکت اجتماعی در ورزش شامل اساتید مدیریت ورزشی (شش نفر)، اساتید جامعه‌شناسی (شش نفر) و افراد خبره در ادارات ورزش و جوانان (پنج نفر) بودند. روش انتخاب نمونه به شیوه هدفمند بود. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت مطالعه پژوهش‌های پیشین و مصاحبه عمیق و باز بود. برای سنجش اعتبار، انتقال و تأییدپذیری، یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه شدند؛ آن‌ها متن نظریه را مطالعه کردند و نقطه‌نظرهای آن‌ها اعمال شدند. روش استفاده‌شده برای قابلیت اعتماد، روش توافق درون‌موضوعی بود. میانگین میزان توافق درون‌موضوعی برابر با ۰/۷۵ گزارش شد. در این مطالعه، از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۱۰ استفاده شد. براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش شامل مواردی نظیر انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بعد سلامت، بعد پرورشی و اخلاقی، شور و نشاط، روابط اجتماعی، هویت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی بود. راهبردهای پیشنهادی برخاسته از پژوهش، تهیه زیرساخت‌ها، جایابی ورزش در فرهنگ عمومی و وضع قوانین مربوط به مشارکت ورزشی هستند.

واژگان کلیدی: اجتماعی، پیامد، داده‌بنیاد، مشارکت، ورزش.

مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم، به علت پیشرفت صنعت و فناوری در جهان (گسترش اینترنت و شبکه‌های مجازی اجتماعی)، انسان‌ها تحرک کمتر و رفاه و آسایش بیشتری نسبت به دهه‌های گذشته داشته‌اند؛ ساعات کار فیزیکی آن‌ها کم شده است و به ساعت‌های اوقات فراغت اضافه گردیده است (پوررنجبر و زیتونلی، ۱۳۹۵). گسترش اوقات فراغت و پیشرفت روزافزون فناوری‌های پیشرفته، پدیده‌ای به نام فقر حرکتی را با خود به همراه داشته است که بر جنبه‌های مختلف جسمی، روانی و اجتماعی زندگی افراد تأثیر گذاشته است (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶). در دهه‌های اخیر، دولت‌ها و سیاست‌گذاران از استفاده از ورزش‌های سنتی برای مبارزه با طیف وسیعی از مشکلات اجتماعی حمایت کرده‌اند (گیلچریست و ویتون، ۲۰۱۶). ورزش، پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است که پیوندی پویا با مجموعه نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد و باید به عنوان بخشی از نیازهای ساختاری انسان مورد توجه افراد جامعه باشد. یکی از علل مهم ترقی و توسعه کشورهای پیشرفته، اهتمام ارکان این جوامع به اصل مهم ورزش و تعمیم آن در سطوح مختلف است (فرجی، ۱۳۹۰). ورزش بر نهادها، گروه‌ها و سایر عناصر اجتماعی می‌تواند آثاری داشته باشد و این بدان معنی است که دستاوردهای ورزش و فعالیت‌های بدنی، به طور کلی یک شاخص عمومی است که می‌توان از طریق آن درباره سطح پیشرفت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه داوری کرد. همچنین، داده‌ها و عوامل اجتماعی موجود در جامعه در پیشرفت و ترقی ورزش نقش اساسی و مهمی دارند (شهبازی، سلامی، صادقی و شیرزادی، ۱۳۹۵). مشارکت در فعالیت ورزشی به سرعت در حال رشد است و در بسیاری از زمینه‌های ملی و در سراسر گروه‌های مختلف رواج یافته است (تورپ و اولیو، ۲۰۱۶).

مشارکت اجتماعی اثر فشارهای زندگی مانند تأمین هزینه‌های سنگین زندگی، مقابله با حوادث طبیعی و غیرطبیعی را با افزایش حمایت‌های اجتماعی، عاطفی و روانی کاهش می‌دهد و احساس امنیت را نیز در افراد تقویت می‌کند (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸؛ قاسمی، فائقی و امیر، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد تعاریفی که از مشارکت ورزشی ارائه شده‌اند، بیشتر به ورزش‌های سنتی و غیررسمی پرداخته‌اند و انجام پژوهش‌های بیشتر و تفسیرهای مناسب‌تری از مشارکت ورزشی لازم است (کینگ و چورچ، ۲۰۱۵). پژوهش‌های انجام شده در زمینه بسیاری از فعالیت‌های ورزشی، شیوه‌های خاصی از سبک زندگی را در هر فعالیت نشان داده‌اند و اهمیت هویت، شیوه زندگی، شیوه مصرفی و مشارکت جامعه در جذب شرکت‌کنندگان در ورزش را نشان داده‌اند (فرناندزریو و سوارز، ۲۰۱۴؛ کینگ و

-
1. Gilchrist & Wheaton
 2. Thorpe & Olive
 3. King & Church
 4. FernándezRío & Suarez

چورچ، ۲۰۱۵). فعالیت‌های خارج از منزل و فعالیت‌های پرماجرا، برای هویت ملی و گردشگری به مراتب از اهمیت زیادی برخوردار هستند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۵).

اهمیت حرکت و ورزش‌های سلامت‌محور برای سلامت جامعه و داشتن جمعیتی سالم و پویا به حدی است که برخی جامعه‌شناسان آن را دین مدنی جامعه معاصر دانسته‌اند (مرتضایی، ناظمی و اندام، ۱۳۹۵). ورزش همگانی پدیده‌ای نوظهور است که اولین بار توسط شورای اروپا در سال ۱۹۹۶ مطرح شد. از دیدگاه شورای ورزش اروپا، ورزش همگانی عبارت است از فعالیت‌های بدنی آزاد، داوطلبانه و اختیاری که در اوقات فراغت انجام می‌شوند؛ امکان پرداختن به آن‌ها برای همگان وجود دارد و هدف اصلی آن‌ها تفریح، توسعه و بهسازی انسان‌ها است (جوادی‌پور و سمیع‌نیا، ۱۳۹۳)؛ براین اساس، قرن بیست و یکم به عصر ورزش‌های همگانی معروف شده است (رضوی، نیازی و برومند، ۱۳۹۴). هدف اصلی ورزش همگانی، شناسایی راهکارهای جلب مشارکت اجتماعی افراد است؛ اما توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی^۳ را نتیجه انباشت سرمایه اجتماعی و از ضرورت‌های جامعه جدید محسوب می‌کنند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). هنگامی که این فعالیت‌ها در زمینه‌ها و فضاهای مناسب انجام شوند، ظرفیت برای جذب جوانان و افراد مسن‌تر افزایش می‌یابد (هامبرستون، ۲۰۱۱). اماکن ورزشی، مکان‌هایی هستند که اجتماعات در آن از طریق مشارکت ورزشی شکل می‌گیرند (تیلور و خان، ۲۰۱۱). بدین دلیل که این فضاها محلی برای اجتماع و دوستی‌ها هستند، برای جوانان ارزش ویژه دارند و حس تعلق اجتماعی را برای افراد به‌رمغان می‌آورند (براون، ۲۰۱۶). خصوصیات شخصی مانند شایستگی، رفتار و ظرفیت‌ها در تعامل با محیط زیست ممکن است شکل گیرند و به شکل مثبت و منفی به وجود آیند (کوت و هانکوخ، ۲۰۱۴). شواهد موجود نشان می‌دهند که یکی از مشکلات اجتماعی مشارکت ورزشی، در شایستگی‌ها، انتظارات و باورهای جوانان است که به‌طور بالقوه به‌صورت شخصی و اجتماعی شکل می‌یابند (لارسون، والکر، راسک و دیاز، ۲۰۱۵؛ لرنر، ۲۰۱۵).

بشر امروز بیش از هرچیز به کنش‌های متقابل پرمایه در شبکه‌های اجتماعی و ارتباطاتی وسیع نیاز دارد تا بتواند از ساختار شکنی و هنجار شکنی آمیخته با زندگی اجتماعی خود جلوگیری کند یا حداقل

-
1. Thorpe & Wheaton
 2. Sport for All
 3. Social Participation
 4. Humberstone
 5. Taylor & Khan
 6. Brown
 7. Cote & Hancock
 8. Larson, Walker, Rusk & Diaz
 9. Lerner

روندی معکوس برای آن‌ها تعریف کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). مشارکت اجتماعی، از یک سو، آگاهی مشارکت کنندگان نسبت به ضرورت مشارکت را می‌طلبد و از سوی دیگر، به وجود سازمان‌هایی نیاز دارد تا افراد بتوانند به واسطه آن استعداد‌های خود را پرورش دهند و در جریان رشد و توسعه جامعه، حضوری فعال داشته باشند (موسوی، ۱۳۹۴). شرکت در فعالیت‌های مثبت ممکن است شخصیت اجتماعی مثبت را شکل دهد (سندفورد، دیونکامب و ارمور، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، بدین دلیل که مشارکت ورزشی می‌تواند شخصیت مثبت را به وجود آورد و برای جامعه و ملت مفید باشد، اهمیتی فراوان دارد و می‌تواند نیاز جوانان را به درک ارزش‌های شخصی، تعادل احساسی، حل مسائل شخصی و خانوادگی و حل مسائل اجتماعی برآورده کند (طالب‌زاده و جعفری، ۱۳۹۱).

ورزش با درگیر کردن گروه‌های در معرض خطر که اغلب از طبقات محروم هستند، می‌تواند ابزار سیاست‌گذاری مؤثری برای جلوگیری از بزهکاری جوانان باشد. تجربیات ورزشی بر روند درونی (مثلاً کنجکاوی، تمایل به شرکت در فعالیت‌ها و ابتکار عمل) به سمت رشد شخصی اهمیت دارند (لرنر، ۲۰۱۵). تجربه مثبت در مشارکت ورزشی با زمان مشارکت در برنامه ارتباط دارد و سطوح بالاتری از لذت درک شده را برای فرد تقویت می‌کند. همچنین، تجربیات ورزشی مثبت می‌تواند به عنوان نشانگری مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی جوانان استفاده شوند. علاوه بر این، متغیرهای زمان و برنامه‌های ورزشی باید در رویکردی جامع برای درک جوانان در ورزش مورد توجه قرار گیرند (ریوردایتو و همبارتو، لاریسا و آلسایدیس، ۲۰۱۷).

آثار مثبت دیگر مشارکت اجتماعی در ورزش می‌تواند سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد در تمامی دوره‌های زندگی، ارتقای کیفیت زندگی اقشار مختلف مردم (مظفری، کلاته‌آهنی، شجاع و هادوی، ۱۳۹۰)، افزایش امید به زندگی، افزایش نشاط، کاهش هزینه‌های درمانی و بهداشتی، بالابردن بهره‌وری نیروی کار، توسعه همه‌جانبه جامعه، ایجاد همدلی، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، کمک به فرایند جامعه‌پذیری افراد (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶)، تغییر نگرش و دیدگاه‌ها، بهبود ادراک، بهبود روابط انسانی و اجتماعی، احساس آسودگی و آرامش، تسکین اختلالات روانی و کسب مهارت‌های حرکتی، کسب تجارب خلاق و تقویت اعتماد به نفس و خودباوری (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵)، روابط اجتماعی مثبت، تقویت بنیه جسمانی و پرورش ابعاد روانی و اجتماعی (سیف‌پناهی شعبانی، ۱۳۹۳)، احساس خوب بودن و سلامت عمومی (ویلیام و برادزینسکی، ۲۰۰۸)، کسب سلامتی و آمادگی جسمانی، لذت و نشاط، انگیزه بهبود روابط شغلی و زندگی، پیشگیری از بیماری‌ها، درمان آن‌ها و تعامل اجتماعی (عزیزی، جلالی و کبیری، ۱۳۹۰).

1. Sandford, Duncombe & Armour
2. Reverdito, Humberto, Larissa & alcides
3. William & Brudzynski

تعامل و شناخت اجتماعی، نشاط و شادابی، پیشگیری از مفسد اجتماعی و انحراف‌های اخلاقی، گسترش تعاملات اجتماعی و غنی‌سازی اوقات فراغت (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵) باشند. غلبه بر ناامیدی و چالش‌ها از جمله عواملی است که ممکن است با درک بهتر از تجربه مثبت توسط جوانان، در ورزش باشد (اگنس^۱ و همکاران، ۲۰۱۴)؛ از این رو، ورزش ممکن است یکی از فرصت‌های معدودی باشد که جوانان در محیط‌هایی با خطر اجتماعی زیاد، تجربه مثبتی کسب می‌کنند (ریلر و همکاران، ۲۰۱۷). تورمن^۲ (۲۰۰۸) نیز اشاره می‌کند که ورزش در ادغام و اتصال افراد نقش دارد و این روند به افرادی نیاز دارد که شخصیت خود را در جامعه نشان دهند. ارتباط ورزشی بر اعمال پرخاشگری فرد تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را کاهش می‌دهد (راتن^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعه لیراس و پیچی^۴ (۲۰۱۱) نشان داد که تغییر اجتماعی می‌تواند نتیجه تغییرات حاصل از ورزش باشد و مشارکت در ورزش می‌تواند حس همبستگی و خودمفهومی و نیز روند یادگیری فرد را افزایش دهد. طالب‌زاده و جعفری (۱۳۹۱) دریافتند که ورزش می‌تواند یادگیری فیزیکی، عاطفی و ذهنی را تحریک کند. این نشان می‌دهد که ورزش نه تنها شخصیت مثبت، بلکه می‌تواند یادگیری و همچنین، اهداف آموزشی را تحریک کند. به عقیده ایرزاهانیه، انتانمایزورا، آیدانازیما و هاسلینا^۵ (۲۰۱۷)، ورزش، وسیله‌ای برای توسعه است. آن‌ها معتقدند که مشارکت می‌تواند سبک زندگی سالمی را برای جوانان ایجاد کند و از انجام فعالیت‌های منفی در اوقات فراغت جوانان جلوگیری کند.

با نگاهی اجمالی بر پژوهش‌های انجام‌شده پیشین مشخص می‌شود که بیشتر آن‌ها به بررسی تک‌بعدی پیامدها و آثار مشارکت در ورزش پرداخته‌اند.

بنابراین، ضرورت بررسی جامع برای رسیدن پژوهشگران به درکی جمعی از آنچه در این زمینه انجام شده است، ضروری است. گرایش فزاینده به ورزش باعث پیدایش مسائل و موضوع‌هایی شده است که به طور ذاتی ماهیت اجتماعی دارند. ماهیت اجتماعی، ما را به این سمت می‌کشاند تا ورزش را با شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی پیوند دهیم و مفاهیمی وضع کنیم که از طریق پی‌ریزی مبانی نظام‌های فرعی نو مانند جامعه‌شناسی ورزش، زمینه این پیوند و ارتباط فراهم شود؛ به گونه‌ای که این مباحث و نظام‌های فرعی تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی ورزش را تحت پوشش قرار دهند؛ بنابراین، پرداختن به جنبه‌های اجتماعی ورزش اهمیت دارد. جامعه‌شناسی ورزشی با هدف توجه به فرایندهای اجتماعی‌ای که در کنار ورزش روی می‌دهند، مانند اجتماعی‌شدن، رقابت و مسابقه، همکاری، ایجاد

-
1. Agans
 2. Turman
 3. Rutten
 4. Lyras & Peachey
 5. IrzaHanie, Intan Maizura, AidaNazima & Haslina

تحرك و تحول اجتماعی، به مطالعه رابطه ورزش و اجتماع می‌پردازد (کوکلی، ۱۳۹۳). طبقه‌بندی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، نیاز پژوهشگران را به یک چهارچوب کاربردی نشان می‌دهد؛ بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند الگوی مناسبی را برای پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، براساس مبانی نظری و مصاحبه‌های انجام‌شده تدوین کند. نتایج این پژوهش عوامل پیامدهای مشارکت ورزشی را شناسایی می‌کند و درنهایت، راهبردهای کاربردی را برای اجرایی شدن و تقویت مشارکت اجتماعی در ورزش پیشنهاد می‌کند؛ بنابراین، این پژوهش با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش» انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف این پژوهش، تبیین پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش است، از روش کیفی استفاده شده است؛ براین اساس، نخست به بررسی پیامدهای اجتماعی حاصل از مشارکت در ورزش پرداخته شد. سپس، با اجرای مصاحبه و طرح پرسش‌های باز برای اکتشاف و توصیف نگرش مصاحبه‌شوندگان، انبوهی از متغیرها و پیامدهای اجتماعی حاصل از مشارکت ورزشی جمع‌آوری شدند و درنهایت، به کمک روش نظریه‌برخاسته از داده‌ها و طی فرایندی به شیوه کدگذاری باز و محوری، یافته‌های پژوهش دسته‌بندی شدند و متغیرها و پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی تبیین شدند. در این پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، با ۱۷ نفر از اساتید و خبرگان مدیریت ورزشی، جامعه‌شناسی و افراد باتجربه و نخبه‌آدارات ورزش‌وجوانان استان کرمانشاه، به‌صورت باز مصاحبه شد؛ بدین ترتیب که، نخست طبق شناخت پژوهشگر و با در نظر گرفتن اهداف پژوهش، با خبرگان منتخبی که شایستگی پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده را داشتند، مصاحبه شد. سپس، آن‌ها خبرگان دیگری را معرفی کردند تا نمونه‌گیری ادامه یابد. با توجه به شیوه گردآوری اطلاعات، چنانچه هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف نگرش‌های مصاحبه‌شونده باشد و نیز با در نظر گرفتن زمان و منابع در دسترس، ۱۰ تا ۱۵ نمونه برای مصاحبه کافی خواهد بود (کوال، ۱۹۹۶). از مصاحبه یازدهم به بعد، تکرار در داده‌های دریافتی مشاهده شد و در مصاحبه پانزدهم، میزان داده‌های دریافتی از مصاحبه‌شونده‌ها به اشباع رسید؛ اما، به دلیل اطمینان از داده‌های دریافتی، انجام مصاحبه تا مصاحبه هفدهم ادامه یافت. در این پژوهش از دو مرحله استفاده شد: مرحله نخست، روش کدگذاری باز بود. برای مفهوم‌سازی داده‌ها و تحلیل اطلاعات، یکی از روش‌ها استفاده از کدگذاری باز است تا با استفاده از آن بتوان داده‌ها را در مقوله‌های مشخص دسته‌بندی کرد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم از عمق داده‌ها به سطح

-
1. Koakley
 2. kvale

آورده می‌شوند. همچنین، تحلیلگر به نحوه شکل‌دهی مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد (استراس و کوربین؛ ۱۳۸۷)؛ در مرحله بعد، فرایند کدگذاری محوری انجام شد. کدگذاری محوری، فرایند تبدیل مفاهیم به مؤلفه‌ها است. برای این کار، نظریه‌پرداز مفهومی از مجموعه مفاهیم مرحله کدگذاری باز را به‌عنوان مقوله انتخاب می‌کند و طی فرایندی سایر مفاهیم هم‌معنا را به آن مرتبط می‌کند. این کدگذاری بدین‌دلیل محوری قلمداد می‌شود که حول محور یک مقوله پژوهش انجام می‌شود. برای تجزیه و تحلیل و کدبندی مصاحبه‌ها از نرم‌افزار کیفی مکس کیودا نسخه ۱۰ بهره گرفته شد. برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه شدند؛ آن‌ها متن نظریه را مطالعه کردند و نقطه‌نظرهای آن‌ها اعمال شدند. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مطالعه و بازبینی شد و مواردی برای اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شد. پایایی داده‌ها از طریق نشان‌دادن مسیر تصمیم‌های پژوهشگران و همچنین، قراردادن تمامی داده‌های خام، کدها، مقوله‌ها، فرایند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید قرار گرفتند و با حساسی دقیق صاحب‌نظران، درستی تمام گام‌های پژوهش تأیید شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون، معمولاً از میان مصاحبه‌های انجام‌گرفته، چند مصاحبه برای نمونه انتخاب می‌شوند. هریک از مصاحبه‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخصی دو بار کدگذاری می‌شوند. سپس، کدهای مشخص‌شده با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این روش برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به‌کار می‌رود. در هریک از مصاحبه‌ها، کدهایی که در فاصله زمانی مشابه یکدیگرند، با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. روش محاسبه درصد توافق درون‌موضوعی بازآزمون به‌صورت رابطه زیر است:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

در پژوهش حاضر، سه مصاحبه از میان مصاحبه‌ها انتخاب شدند و یکی از پژوهشگران در فاصله یک ماه آن‌ها را کدگذاری کرد. نتایج این کدگذاری در جدول شماره یک درج شده است.

جدول ۱- قابلیت اعتماد آزمون

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	درصد توافق
۳	۱۱	۴	۰/۷۲
۹	۱۰	۳	۰/۹۰
۱۵	۱۱	۴	۰/۷۲
مجموع	۳۲	۱۲	۰/۷۵

1. Strauss & Corbin
2. MAXQDA

ادامهٔ جدول ۲- نتایج حاصل از کدگذاری اولیهٔ پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش

ردیف	کدهای محوری	کدهای باز	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی	سلامت	پرورشی و اخلاقی	شور و نشاط	روابط اجتماعی	اجتماعی	کاهش آسیب‌های اجتماعی	هویت اجتماعی
۱۲	تقویت روابط دوستی						*				
۱۳	اتحاد اجتماعی		*								
۱۴	افزایش کار گروهی						*				
۱۵	سلامت اجتماعی			*							
۱۶	پذیرش اجتماعی		*								
۱۷	تکریم حرمت					*		*			
۱۸	افزایش انگیزه					*					
۱۹	احساس مثبت به دیگران		*			*					
۲۰	ارتقای خودباوری					*					
۲۱	کسب جایگاه اجتماعی					*			*		
۲۲	حمایت اجتماعی		*								
۲۳	ارتقای خودآگاهی					*			*		
۲۴	سلامت فکر و اندیشه					*					
۲۵	افزایش احساس تعهد					*			*		
۲۶	سلامت معنوی					*					
۲۷	شور و هیجان گروهی						*				
۲۸	امنیت اجتماعی		*								
۲۹	پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی		*			*					
۳۰	لذت اجتماعی						*				
۳۱	سلامت روحی و روانی					*					
۳۲	سلامت جسمانی					*					
۳۳	لذت فردی						*				
۳۴	کاهش مصرف دخانیات							*		*	
۳۵	کاهش بزهکاری								*	*	

نتایج جدول شمارهٔ دو نشان می‌دهد که ۳۵ کد باز برای پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش تعریف شده‌اند. این ۳۵ کد در قالب هشت کد محوری تعریف شدند که نتایج آن در جدول شمارهٔ سه ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
۱	انسجام اجتماعی	حس یگانگی اجتماعی، کاهش پیش‌داوری قومی و محلی، اتحاد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، تعلق اجتماعی
۲	اعتماد اجتماعی	پذیرش اجتماعی، حمایت اجتماعی، احساس مثبت به دیگران، امنیت اجتماعی
۳	سلامت	سلامت جسمانی، سلامت روحی و روانی، سلامت فکر و اندیشه، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی
۴	پرورشی و اخلاقی	پرورش روح و روان، استقلال شخصیت، افزایش انگیزه، ارتقای خودباوری، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی
۵	شور و نشاط	لذت فردی، لذت اجتماعی، شور و هیجان گروهی
۶	روابط اجتماعی	ایجاد احترام، تقویت روابط دوستی، افزایش کار گروهی، تکریم حرمت
۷	هویت اجتماعی	کسب جایگاه اجتماعی، ارتقای خودآگاهی، افزایش احساس تعهد
۸	کاهش آسیب‌های اجتماعی	کاهش مصرف دخانیات، کاهش بزهکاری، کاهش مصرف نوشیدنی‌های الکلی، کاهش پرخاشگری، دوری از فضای مجازی، کاهش بی‌عدالتی و نابرابری

براساس نتایج جدول شماره سه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، شامل مواردی نظیر انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سلامت، پرورشی و اخلاقی، شور و نشاط، روابط اجتماعی، هویت اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی هستند. این پیامدها هر کدام شامل پیامدهای متعدد اجتماعی هستند که گزارش شده‌اند: ۱- انسجام اجتماعی؛ حس یگانگی اجتماعی، کاهش پیش‌داوری قومی و محلی، اتحاد اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تعلق اجتماعی؛ ۲- اعتماد اجتماعی؛ پذیرش اجتماعی، حمایت اجتماعی، احساس مثبت به دیگران و امنیت اجتماعی؛ ۳- سلامت جسمانی، سلامت روحی و روانی، سلامت فکر و اندیشه، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی؛ ۴- پرورشی و اخلاقی؛ پرورش روح و روان، استقلال شخصیت، افزایش انگیزه، ارتقای خودباوری و پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی؛ ۵- شور و نشاط؛ لذت فردی، لذت اجتماعی و شور و هیجان؛ ۶- روابط اجتماعی؛ ایجاد احترام، تقویت روابط دوستی، افزایش کار گروهی و تکریم حرمت. ۷- هویت اجتماعی؛ کسب جایگاه اجتماعی، ارتقای خودآگاهی و افزایش احساس تعهد؛ ۸- کاهش آسیب‌های اجتماعی؛ کاهش مصرف دخانیات، کاهش بزهکاری، کاهش مصرف نوشیدنی‌های الکلی، کاهش پرخاشگری، دوری از فضای مجازی و کاهش بی‌عدالتی و نابرابری.

بحث و نتیجه‌گیری

گسترش ورزش به‌عنوان بعد مهمی از روند زندگی و تأثیر ورزش بر رفتار انسان و نهادهای اجتماعی تشکیل‌دهنده جامعه و زمینه‌های فرهنگی جامعه، موجب شده است که مریبان تربیت‌بدنی و جامعه‌شناسان به مطالعه این مقوله توجه بیشتری کنند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، بر مبنای ضرورت، هدف ما در این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بود.

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، یکی از اصلی‌ترین پیامدهای مشارکت در ورزش، «انسجام اجتماعی» است؛ بدین معنی که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند باعث همراهی با دیگران شود و بر اساس اینکه مشارکت در ورزش بر پایه دوستی‌ها و همدلی‌ها بنا شده است، می‌تواند سبب اتحاد و انسجام اجتماعی شود. درباره جایگاه فعالیت‌های ورزشی در نظریه‌های جامعه‌شناسی باید خاطر نشان کرد که نهاد ورزش قادر است در برخی موارد مانند مسابقات ورزشی در سطح ملی و جهانی، افراد یک جامعه و حتی یک ملت را دور هم جمع کند و به‌نوعی احساس وحدت و یکپارچگی را ترویج کند (بایرنر، ۱۹۸۷). مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی، محصول انباشت سرمایه اجتماعی و از ضرورت‌های جامعه جدید محسوب می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، مشارکت در ورزش نیز می‌تواند حاصل سرمایه اجتماعی باشد و آثار اجتماعی متنوع و مثبتی را در جای‌جای جامعه به‌نمایش بگذارد. مشارکت ورزشی با ایجاد روحیه، حس یگانگی اجتماعی و انسجام اجتماعی راه را برای تعاملات بیشتر هموار می‌کند و نگاهی تعاملی به روابط افراد در جامعه دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های روش‌شناسی اربطانی (۱۳۸۶)، تورمن (۲۰۰۸)، لیراس و پیچی (۲۰۱۱) و ایرزاهانیه و همکاران (۲۰۱۷)، همسو بود. از این رو ورزش در ادغام و اتصال افراد نقش دارد و باعث تقویت حس همبستگی می‌شود. این مطلب بدین معنی است که تعامل افراد در فضاهای ورزشی نه تنها به مشارکت اجتماعی آن ختم می‌شود، بلکه می‌تواند به‌عنوان پلی برای رسیدن به دیدگاه‌های مشترک و انسجام گروهی و اجتماعی باشد؛ بنابراین، باید برنامه‌هایی در جهت تشویق و ترغیب افراد به مشارکت در ورزش در نظر گرفته شوند تا بتوان از طریق گردهم‌آیی افراد و ایجاد روحیه همدلی و مشارکت به انسجام اجتماعی رسید. این امر زمانی می‌تواند به موفقیت برسد که نه تنها برنامه‌های دولت، در راستای مشارکت اجتماعی از طریق ورزش گام بردارد، بلکه افراد نیز میل و رغبت کافی برای تجمع کردن در مکان‌های ورزشی در سطوح مختلف داشته باشند.

از دیگر پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، «اعتماد اجتماعی» است. ورزش و مشارکت ورزشی می‌تواند به‌عنوان کارکرد تطبیق‌شناخته شود. با توجه به جوامع صنعتی می‌توان گفت که ورزش تنها

زمینه برای فعالیت‌هایی است که کارشان رشد دادن و تکامل بخشیدن به مهارت‌های بدنی است (گیدنز؛ ۱۳۷۸). در صورت تطبیق فرد با اجتماع، اعتماد اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. همچنین، وجود مشارکت اجتماعی اثر فشارهای زندگی مانند تأمین هزینه‌های سنگین زندگی، مقابله با حوادث طبیعی و غیرطبیعی را با افزایش حمایت‌های اجتماعی، عاطفی و روانی کاهش می‌دهد و احساس امنیت را نیز در افراد تقویت می‌کند (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، تجربیات ورزشی مثبت می‌توانند به عنوان نشانگری مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی جوانان استفاده شوند (ریلر و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس یافته‌های پژوهش، مشارکت در ورزش می‌تواند زمینه پذیرش و حمایت اجتماعی را فراهم آورد؛ بدین معنی که زمانی که فرد در بستر اجتماع به فعالیت در زمینه‌های ورزشی می‌پردازد؛ احساس مثبت بودن در اجتماع را به دست می‌آورد و در کنار دیگران به ورزش می‌پردازد، به تبع آن، پذیرش وی در اجتماع نیز افزایش می‌یابد و دیگران نیز با وی در ارتباط هستند و از او در شرایط مختلف حمایت می‌کنند. احساس مثبت حاصل از مشارکت در ورزش سبب ترغیب فرد به مشارکت‌های اجتماعی بیشتر می‌شود و وی را به عنوان جزئی از جامعه دارای هویت می‌کند. زمانی که افراد در محیط‌های اجتماعی سالم مانند محیط‌های ورزشی حاضر می‌شوند و به فعالیت می‌پردازند، حس امنیت اجتماعی را بیشتر درک می‌کنند و این امر آثار زیادی بر اجتماعی شدن آن‌ها دارد.

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی، «سلامت» است. ورزش با ایجاد شور و نشاط و تشویق افراد به انجام فعالیت‌های سالم در محیط‌های سالم، می‌تواند عاملی اثرگذار بر ابعاد مختلف سلامت باشد. اهمیت حرکت و ورزش‌های سلامت‌محور برای سلامت جامعه و داشتن جمعیتی سالم و پویا به حدی است که برخی جامعه‌شناسان آن را دین مدنی جامعه معاصر دانسته‌اند (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، ورزش شرایطی را فراهم می‌کند که افراد با درگیر شدن در فعالیتی که به سود آن‌ها و جامعه است، شرکت کنند. احساس خوب بودن و سلامت عمومی (ویلیام و برادزینسکی، ۲۰۰۸) و کسب سلامتی و آمادگی جسمانی (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰) از پیامدهای مشارکت ورزشی هستند؛ باین حال، نمی‌توان از پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی در خصوص سلامت روحی و روانی، سلامت فکر و اندیشه، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی غافل شد. از ورزش می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تقویت سلامت همه جامعه افراد و جامعه نام برد. مشارکت در ورزش نه تنها فرد را از لحاظ سلامت فردی مانند سلامت جسمانی و روحی و روانی پرورش می‌دهد، بلکه می‌توان آثار سلامت را در جامعه نیز مشاهده کرد؛ بنابراین، سازمان‌های ذی‌ربط در خصوص مشارکت ورزشی باید به این اصل مهم توجه کنند که شرکت در فعالیت ورزشی نقش مهمی در سلامت فرد و جامعه دارد

و می‌تواند از ایجاد بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. این موضوع در جوامع پیشرفته به خوبی درک شده است و در برنامه‌های حوزه سلامت، از فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان اصلی‌ترین عامل توسعه جوامع استفاده می‌شود؛ بنابراین، توجه به این موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است.

پیامد اجتماعی دیگر مشارکت در ورزش، «جنبه پرورشی و اخلاقی» دارد. براساس یافته‌های پژوهش، پرورش روح و روان، استقلال شخصیت، افزایش انگیزه، ارتقای خودباوری، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی از عواملی هستند که در اثر مشارکت در ورزش حاصل می‌شوند. شرکت در فعالیت‌های مثبت ممکن است شخصیت اجتماعی مثبت را شکل دهد (سندفورد و همکاران، ۲۰۰۸). از آنجایی که مشارکت ورزشی می‌تواند شخصیت مثبت را به وجود آورد و برای جامعه و ملت مفید باشد، اهمیت فراوان دارد و می‌تواند نیاز جوانان را به درک ارزش‌های شخصی، تعادل احساسی، حل مسائل شخصی و خانوادگی و حل مسائل اجتماعی برآورده کند (طالب‌زاده و جعفری، ۱۳۹۱). تورمن (۲۰۰۸) نیز اشاره می‌کند که ورزش در ادغام و اتصال افراد نقش دارد و این روند به افرادی نیاز دارد که شخصیت خود را در جامعه نشان دهند. بلانچارد (۱۳۸۵) نیز معتقد است کسانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، ایده شخصی قوی‌تری نسبت به کسانی که دارند که در فعالیت‌های ورزشی شرکت نمی‌کنند. طالب‌زاده و جعفری (۱۳۹۱) دریافتند که ورزش می‌تواند یادگیری فیزیکی، عاطفی و ذهنی را تحریک کند. این نشان می‌دهد که ورزش نه تنها شخصیت مثبت، بلکه می‌تواند یادگیری و همچنین اهداف آموزشی را تحریک کند. مشارکت در ورزش در انگیزه بهبود روابط شغلی و زندگی مؤثر است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰) و موجب تقویت اعتماد به نفس و خودباوری (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵) می‌شود. تجربیات ورزشی بر روند درونی (مثلاً کنجکاوی، تمایل به شرکت در فعالیت‌ها و ابتکار عمل) به سمت رشد شخصی اهمیت دارند (لرنر، ۲۰۱۵). مشارکت در ورزش امری اجتناب‌ناپذیر در جامعه است و ملتی که با این پدیده اجتماعی انس بگیرد، می‌تواند برای خود جنبه رقابتی خلق کند.

«شور و نشاط» حاصل از مشارکت ورزشی، پیامد اجتماعی دیگری است که به واسطه ورزش حاصل می‌شود. این مطلب در نتایج پژوهش‌های مختلفی اثبات شده است. روشندل اربطانی (۱۳۸۶) و عزیزی و همکاران (۱۳۹۰) شور و لذت و نشاط را حاصل از مشارکت در ورزش می‌دانند. تجربه مثبت در مشارکت ورزشی با زمان مشارکت در برنامه ارتباط دارد و سطوح بالاتری از لذت درک شده را برای فرد تقویت می‌کند. همچنین، تجربیات ورزشی مثبت می‌توانند به‌عنوان نشانگری مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی جوانان استفاده شوند. علاوه بر این، به متغیرهای زمان و برنامه‌های ورزشی، باید در رویکردی جامع برای درک جوانان در ورزش توجه شود (ریلر و همکاران، ۲۰۱۷). در واقع، ورزش با ایجاد فضایی عاری از هرگونه تعصب، غرض‌ورزی و تاریکی می‌تواند شادی و نشاط و

شور را به‌ارمغان آورد و جامعه‌ای شاد را ایجاد کند. فرد با قرارگرفتن در شرایطی که خود را از بند زندگی کلیشه‌ای خارج می‌کند و در فضایی ورزشی و در ارتباط با دیگران قرار می‌دهد، نه تنها از نشاط و شادی بهره می‌گیرد، بلکه شور و نشاط را نیز به دیگران هدیه می‌دهد و نشاط اجتماعی شکل می‌گیرد.

پیامد اجتماعی دیگر مشارکت در ورزش، «روابط اجتماعی» است. جامعه‌شناسان بر این باورند که قلمرو فعالیت‌های ورزشی ذاتی نیستند؛ بلکه از طریق قواعد و قراردادهای توسط واکنشگران اجتماعی خلق می‌شوند. این معانی تحت پوشش معانی اجتماعی قرار دارند (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹). جوانان می‌توانند در فضاهای ورزشی جمع شوند و اجتماعاتی را از طریق مشارکت ورزشی شکل دهند (تیلور و خان، ۲۰۱۱). بدین دلیل که این فضاها محلی برای اجتماع و دوستی‌ها هستند، برای جوانان ارزش ویژه دارند و حس تعلق اجتماعی را برای افراد به‌ارمغان می‌آورند (براون، ۲۰۱۶). فرد با شرکت در فعالیت‌های ورزشی در ارتباط با دیگران است و احترام و دوستی حاصل از مشارکت اجتماعی به واسطه ورزش بر کسی پوشیده نیست. در واقع، مشارکت در ورزش به توسعه همه‌جانبه جامعه، ایجاد همدلی، تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، کمک به فرایند جامعه‌پذیری افراد (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶)، بهبود روابط انسانی و اجتماعی (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵) و تقویت روابط اجتماعی مثبت (سیف‌پناهی شعبانی، ۱۳۹۳) می‌پردازد. همچنین، باید ذکر کرد که از طریق ورزش امکان سنجش مهارت‌های حرکتی و توسعه زمینه‌های این مهارت‌ها برای انسان و انطباق حرکتی او با محیط‌هایی که انسان‌ها را می‌سازند، فراهم آمده است (الخولی، ۱۳۸۱)؛ براین اساس، می‌توان بیان کرد که ورزش در ارتباط با محیط اجتماعی است و می‌تواند از آن اثر بپذیرد. این ارتباط باعث تطبیق فرد با اجتماع می‌شود؛ بنابراین، ورزش از مهم‌ترین عواملی است که مشارکت در آن باعث انطباق‌پذیری فرد و محیط اجتماعی می‌شود؛ از این‌رو، ارتباط اجتماعی از طریق مشارکت ورزشی می‌تواند به وجود آید. زمانی که فرد در این مکان‌ها با دیگران تعامل پیدا می‌کند، به نقطه‌نظرهای مشترکی با دیگران دست پیدا می‌کند که برای وی ارزش‌آفرین هستند و می‌توانند در تکریم حرمت‌ها و تقویت روابط دوستی با اهمیت باشند. در واقع، با این روابط اجتماعی کار گروهی افزایش می‌یابد و فرد خود را جزئی از جامعه محسوب می‌کند که این امر به تقویت روابط اجتماعی منجر می‌شود.

دیگر پیامد اجتماعی مشارکت ورزشی، «هویت اجتماعی» است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بسیاری از فعالیت‌های ورزشی، شیوه‌های خاصی از سبک زندگی را در هر فعالیت نشان داده‌اند و اهمیت هویت و مشارکت اجتماعی را در جذب شرکت‌کنندگان در ورزش به‌نمایش گذاشته‌اند (فرناندز ریو و سوارز، ۲۰۱۴؛ کینگ و چورچ، ۲۰۱۵). از نگاه گیدنز (۱۳۷۸)، پیکر ما فقط نوعی

موجودیت طبیعی نیست که مالکیت آن را به ما تخصیص داده باشند، بلکه بدن مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها است و غوطه‌ور شدن عملی آن در کنش‌های متقابل زندگی روزمره، یکی از ارکان عمده نگاه‌داشت هویت است. براساس این دیدگاه، از آنجایی که فعالیت‌های ورزشی با بدن در ارتباط هستند، می‌توانند هویت فرد را در اجتماع شکل دهند. فعالیت‌های ورزشی برای کسب هویت از اهمیت زیادی برخوردار هستند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۵). فرد با کسب جایگاه مناسب از طریق شرکت در فعالیت‌های ورزشی، جایگاه خود را در بین دوستان و جامعه پیدا می‌کند و به میزان قابل توجهی با دستیابی به این جایگاه اجتماعی به خودآگاهی می‌رسد. زمانی که فرد خود را در جامعه پیدا می‌کند و با دیگران در ارتباط است، نسبت به جامعه و مشارکت اجتماعی متعهد می‌شود و برای کسب هویت و معرفی بیشتر خود به جامعه سعی می‌کند. مشارکت اجتماعی، از یک سو، آگاهی مشارکت‌کنندگان نسبت به ضرورت مشارکت را می‌طلبد و از سوی دیگر، به وجود سازمان‌هایی نیاز دارد تا افراد بتوانند به واسطه آن استعداد‌های خود را پرورش دهند و در جریان رشد و توسعه جامعه، حضوری فعال داشته باشند (موسوی، ۱۳۹۴)؛ از این رو، اگر به دنبال هویت اجتماعی مناسب در افراد هستیم و می‌خواهیم آن‌ها را با جامعه سازگار کنیم، باید آن‌ها را به سوی مشارکت در ورزش فراخوانیم.

شاید مهم‌ترین پیامد اجتماعی مشارکت در ورزش به «کاهش آسیب‌های اجتماعی» مربوط باشد؛ زیرا، زمانی که افراد و جوانان بیشتری به ورزش گرایش پیدا می‌کنند، نه تنها پیامدهای ذکر شده قبلی را به دنبال دارد، بلکه به میزان قابل توجهی آسیب‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. این میزان کاهش آسیب‌ها در جامعه می‌تواند نویدبخش جامعه‌ای سالم و پرنرزی باشد و راه توسعه اجتماعی را هموار کند. خروج از فقر حرکتی و رسیدن به وضع مطلوب، نیازمند ابزارهای شایسته‌ای مانند فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان ابزاری چندبعدی با تأثیرات گسترده بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی نظیر پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحراف‌های اخلاقی است (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶). ورزش با درگیر کردن گروه‌های در معرض خطر که اغلب از طبقات محروم هستند، می‌تواند ابزار سیاست‌گذاری مؤثری برای جلوگیری از بزهکاری جوانان باشد. به عقیده ابرزاهانیه و همکاران (۲۰۱۷)، ورزش وسیله‌ای برای توسعه است. مشارکت می‌تواند سبک زندگی سالمی را برای جوانان ایجاد کند و از انجام فعالیت‌های منفی در اوقات فراغت جوانان جلوگیری کند. در واقع، مشارکت در ورزش برای هر جامعه‌ای ضروری است و از مهم‌ترین برنامه‌ها و راهبردهای توسعه است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ورزش یک نهاد اجتماعی است که در گسترش و تقویت ارزش‌هایی که رفتار را تنظیم می‌کنند و یافتن راه‌حل‌های قابل قبول در زمینه حل مشکلات زندگی، کارکردهای اساسی دارد

(ادواردز، ۱۹۸۳)؛ بنابراین، مشارکت در فعالیتهای ورزشی می‌تواند علاوه بر آثار مثبت اجتماعی و تقویت ابعاد آن، میزان انحرافهای اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد و به‌عنوان یک مسیر، در جهت اعتلای جامعه سالم و شاداب گام بردارد. این جنبه از پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، خود را در میان نوجوانان و جوانان بیشتر نمایان می‌کند. ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی و مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌تواند از میزان انحرافهای اجتماعی بکاهد و فضایی را برای شور و نشاط در میان جوانان ایجاد کند. توجه به زیرساخت‌های ورزشی می‌تواند زمینه‌هایی را ایجاد کند که افراد در تعامل و مشارکت بیشتر، ارزش‌های اجتماعی را درک کنند و مسائل و مشکلات و آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهند. این امر نه تنها باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود، بلکه نقش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را دارد. به پیروی از مبانی نظری پژوهش و به‌ویژه با استفاده از یافته‌های پژوهش و همچنین، تجارب و تأملات پژوهشگران مطالعه حاضر درباره موضوع مورد مطالعه، پیشنهادها و راهکارهای زیر در جهت بهبود مشارکت ورزشی، به سیاستگذاران حوزه ورزش ارائه می‌شوند:

الف- تهیه زیرساخت‌های ورزشی

۱- از فعالیت سازمان‌های ورزشی مردم‌نهاد که می‌توانند باعث مشارکت بیشتر در ورزش شوند، حمایت شود. این بخش می‌تواند با داشتن برنامه‌های مناسب افراد بسیاری را در مشارکت ورزشی دخیل کند؛ ۲- ساخت اماکن ورزشی در محلات و بخش‌های کوچک شهر امکان دستیابی بیشتر تمامی اقشار را به اماکن ورزشی به وجود می‌آورد و سبب می‌شود مشارکت ورزشی بیشتری مشاهده شود. این اقدام نه تنها موجب می‌شود که افراد به امکانات و تأسیسات ورزشی به راحتی دسترسی داشته باشند، بلکه می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها در ورزش بیفزاید؛ ۳- گسترش مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی در گسترش مشارکت ورزشی از ملزومات این پدیده اجتماعی است. نهادهای دولتی و غیردولتی با درگیر شدن در مشارکت ورزشی، نه تنها مشارکت دیگران در ورزش را بهبود می‌بخشند، بلکه خود نهادها نیز در این مشارکت سهیم می‌شوند؛ ۴- ظرفیت‌سازی فرهنگی و رسانه‌ای از عوامل بسیار مهم و حیاتی است. این امر با ارائه دیدی مناسب به افراد، مشارکت ورزشی را بهبود می‌بخشد و آگاهی‌های لازم را به افراد می‌دهد؛ ۵- توسعه و تقویت ورزش در مناطق روستایی کشور از ضروریات راهبرد تهیه زیرساخت‌ها در مشارکت ورزشی است. زمانی که علاوه بر شهرها، توجه و تمرکز بر اجرای برنامه‌های ورزشی در روستاها و نواحی کوچک داشته باشیم، استعدادهای بیشتری جذب ورزش می‌شوند و به تبع آن، مشارکت ورزشی بیشتری حاکم می‌شود؛ ۶- محوریت بخشی به طرح آمایش سرزمین و استفاده از تمامی ظرفیتهای جغرافیایی کشور در مشارکت ورزشی از راهبردهای اساسی

است. توسعه مراکز ورزشی خرد، محله‌محور و روستامحور باعث رواج مشارکت و ایجاد حلقه‌های ورزشی متناسب با فرهنگ هر منطقه می‌شود؛ ۷- زمینه‌سازی برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی و توجه به مشارکت ورزشی اقشار آسیب‌پذیر از دیگر راهبردهای توسعه زیرساخت در جهت مشارکت ورزشی هستند؛ زیرا، بسیاری از افراد ممکن است سطح درآمدی پایینی داشته باشند و توانایی حضور در اماکن ورزشی را نداشته باشند؛ بنابراین، اقدام‌هایی باید انجام شوند تا تمامی افراد در شرایط برابر توانایی مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را داشته باشند.

ب- جایابی ورزش در فرهنگ عمومی

۱- یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های جایابی ورزش در فرهنگ عمومی، داشتن تفکر راهبردی در سازمان‌های ورزشی است. سازمان‌های ورزشی باید با دیدی راهبردی آشفتگی‌های سازمانی در توسعه مشارکت ورزشی را کاهش دهند و با آموزش منابع انسانی بتوانند با برنامه‌هایی اساسی، ورزش را به‌عنوان یک فرهنگ عمومی و اجتماعی در جامعه معرفی کنند. توسعه ورزش‌ها و بازی‌های بومی و محلی می‌تواند این فرهنگ را تقویت کند. این امر نه‌تنها از حس رقابت بین افراد می‌کاهد، بلکه به‌عنوان راهبردی اساسی در جهت تحکیم روابط و افزایش مشارکت ورزشی بین افراد است؛ ۲- تقویت روحیه ورزش‌خواهی و ورزش‌دوستی نیز موجب ارتقای مشارکت ورزشی می‌شود و آثاری نظیر انگیزه مشارکت در ورزش را به‌همراه دارد؛ ۳- معرفی ورزش به‌مثابه الگوی تعامل جمعی می‌تواند از راهبردهای جایابی ورزش در فرهنگ عمومی باشد. از این طریق می‌توان افراد را به ورزش و مشارکت ورزشی تشویق و ترغیب کرد تا به‌وسیله آن بتوانند تعاملات اجتماعی خود را افزایش دهند و در جامعه دارای جایگاه و هویت اجتماعی باشند؛ ۴- سازمان‌های ذی‌ربط در امر مشارکت ورزشی می‌توانند با آگاهی‌بخشی درمورد فواید مشارکت ورزشی، افراد را به ورزش مشتاق کنند و زمینه‌های پرورش فرهنگ ورزشی را ایجاد کنند؛ ۵- تأکید بر مشارکت ورزشی به‌عنوان شاخص توسعه اجتماعی در سازمان‌ها، جامعه و اقشار مختلف می‌تواند حس وطن‌دوستی را برانگیزاند و مشارکت در ورزش را برای همگان تقویت کند.

ج- وضع قوانین

۱- تصویب قوانین مربوط به لزوم تأمین بودجه موردنیاز در زمینه مشارکت اجتماعی در ورزش می‌تواند به بهبود این پدیده اجتماعی کمک کند و زمینه‌های مالی و زیرساختی را برای آن تأمین کند؛ ۲- وضع قوانین مشارکت ورزشی در سازمان‌های دولتی از راهبردهای دیگر برای تقویت مشارکت ورزشی است. سازمان‌های دولتی هم می‌توانند با وضع قوانین در جهت گرایش افراد سازمان خود به فعالیت‌های ورزشی و هم در جهت تهیه و وضع قوانین هم‌راستا با سازمان‌های ورزشی در امر اعتلای فرهنگ ورزش و مشارکت در ورزش گام بردارند؛ ۳- وضع قانون افزایش سطح سرانه فضاهای ورزشی

از دیگر راهبردهای اصلی و اساسی است. با توجه به پایین بودن سرانه ورزشی در کشور، از ضرورت‌های اصلی توسعه مشارکت ورزشی، افزایش سطح سرانه فضاها و اماکن ورزشی است؛ ۴- راهبرد ایجاد همگرایی در دستگاه‌های اجرایی در جهت گرایش به فعالیت‌های ورزشی و رسیدن به اهداف سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی می‌تواند زمینه مشارکت اجتماعی در ورزش را ایجاد کند؛ ۵- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی بخش ورزش و حمایت از بخش خصوصی در تقویت زیرساخت‌های ورزشی می‌تواند راهبردی مؤثر در جهت مشارکت ورزشی باشد.

در پایان، باید اشاره کرد که تاکنون پژوهشی در راستای تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام نشده است. این پژوهش سعی کرده است پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کند و با توجه به آن راهبردهایی مناسب را برای ایجاد مشارکت‌های بیشتر افراد در فعالیت‌های ورزشی تدوین کند؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر پژوهش‌های آینده در زمینه ارتباط ورزش و جامعه داشته باشد و به‌عنوان مبنایی برای پژوهش‌های آینده در نظر گرفته شود.

منابع

1. Agans, J., Champine, R., DeSouza, L., Mueller, M. K., Johnson, S. K., & Lerner, R. M. (2014). Activity involvement as an ecological asset: Profiles of participation and youth outcomes. *Journal of Youth and Adolescence*, 43, 919-932.
2. Al-Kholui, A. (2002). Community structure. (M. R. Sheikhi, translator). Tehran. Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (SAMT). (Persian).
3. Azizi, B., Jalali, M., & Khabiri, M. A. (2011). Survey of the attitudes of students living in university of Tehran dormitories towards sport for all. *Journal of Sport Management*, 5(3), 75-91. (Persian).
4. Bairner, A. (1996). Sportive nationalism and nationalist politics: A comparative analysis of Scotland, sport the Republic of Triland, and Sweden. *Journal of Sport & Social*, 20(3), 314-330.
5. Blanchard, C. (2006). Anthropology of sport. (A. R. Hassanzadeh, & H. R. Ghorbani, translators). Tehran: Publication of Thoughts. Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, Research Deputy, Anthropology Research Institute. (Persian).
6. Brown, K. M. (2016). The role of belonging and affective economies in managing outdoor recreation: mountain biking and the disengagement tipping point. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 15, 35-46.
7. Cote, J., & Hancock, D. J. (2014). Evidence-based policies for youth sport programmes. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8, 51-65.
8. Edwards, H. (1983). *Sociology of sport*. Homewood, IL: Dorsey Press.
9. Faraji, R., & Pour Soltani, H. (2011). Evaluation of the performance of all physical education departments of Iranian provinces based on EFQM model. *Sport Management Studies*, 9, 177-192. (Persian).

10. Fernández-Río, J., & Suarez, C. (2014). Feasibility and students' preliminary views on parkour in a group of primary school children. *Physical Education and Sport Pedagogy*, 21(3), 281-294.
11. Ghassemi, V., Faeqi, S., & Amir, A. (2013). Measurement of social capital and its leveling in different classes of Isfahan's 41 areas in 2013-2012. *Journal of Social Development Studies*, 5(3), 7-29. (Persian).
12. Giddens, A. (1999). *Modernity and individuality (Society and personal identities in the new age)*. (N. Mofeghian, translator). Tehran: Nay Publishing. (Persian).
13. Gilchrist, P., & Wheaton, B. (2016). Lifestyle and adventure sport amongst youth. In K. Green, & A. Smith (Eds.), *Routledge handbook of youth sport* (pp. 186-200). London: Routledge.
14. Humberstone, B. (2011). Engagements with nature: Ageing and windsurfing. In B. Watso, & J. Harpin (Eds.), *Identities, cultures and voices in leisure and sport* (pp. 159-169). Eastbourne: Leisure Studies Association.
15. IrzaHanie, A., Intan Maizura, A., AidaNazima, A., & Haslina, H. (2017). Youth's sport participation and social character in Malaysia. *International Journal of Information, Business and Management*, 9(2), 161-169.
16. Javadipour, M., & Samienia, M. (2013). Explanation of strategic position and presentation of development strategy in Sport for all in Iran. *Management of Sport and Movement Sciences*, 3(5), 15-28. (Persian).
17. Kamran, F., & Ershadi, K. (2007). Examining the relationship between social capital and mental health networks. *Journal of Social Research*, 2(3), 29-54 (Persian).
18. King, K., & Church, A. (2015). Questioning policy, youth participation and lifestyle sports. *Leisure Studies*, 34(3), 282-302.
19. Kovacly, J. (2013). *Exercise in the community*. (Sajadi,s.a . akbari,h. bozhmehrani,s. bakhshandeh.h translator). Tehran: Bamdad Ketab.
20. Larson, R. W., Walker, K. C., Rusk, N., & Diaz, L. B. (2015). Understanding youth development from the practitioner's point of view: A call for research on effective practice. *Applied Developmental Science*, 19, 74-86.
21. Lerner, R. M. (2015). Promoting positive human development and social justice: Integrating theory, research and application in contemporary developmental science. *International Journal of Psychology*, 50, 165-173.
22. Lyras, A., & Peachey, W. J. (2011). Integrating sport for development and praxis. *Sport Management Review*, 14, 314-326.
23. Mahdizadeh, R., Andam, R., & Rozbehani, Sh. (2013). Barriers to development of sport for all in University. *Research on University Sport*, 3, 109-126. (Persian)
24. Mousavi, Z. (2015). Strategies to promote social participation of students in the prevention of drug abuse and psychotropic. *Journal of Social Health and Addiction*, 2(7), 63-82. (Persian).
25. Mortazaei, L., Nazemi, M., & Andam, R. A. (2015). Comparison of motivations for women's participation in recreational water sports (Case study: Women of Khorasan Razavi province). *New Trends in Sport Management*, 2(7), 63-73. (Persian).
26. Mozafari, A. M., Kalate Ahani, K., Shajei, A. R., & Hadavi, F. (2011). Describes the attitude and orientation for people to physical activity and sports in the Islamic Republic of Iran. *Olympic*, 1(49), 69-81. (Persian).

27. Naderian Jahromi, M. (2010). *Fundamentals of sociology in sport*. Tehran: Bamdad Ketab. (Persian).
28. PourRanjbar, M., & Zaitounli, A. (2015). Health-centered and public health at Kerman University of Medical Sciences. *Journal of Prevention and Health*, 4, 42-55. (Persian).
29. Razavi, M. H., Niazi, M., & Boroumand Dolagh, M. (2014). Designing and developing a strategy for the development of sport for all using scientific perspective in Mashhad. *Applied Research of Sport Management and Biology*, 3(9), 49-60. (Persian).
30. Reverdito, R. Humberto, M. Larissa, G. alcides, j (2017). Effects of youth participation in extra-curricular sport programs on perceived self-efficacy: A multilevel analysis. *Perceptual and Motor Skills*, 1-16. DOI: 10.1177/0031512517697069.
31. RoshanandelArbalani, T. (2007). Explaining the status of public media in institutionalizing public sport. *Motion Magazine*, 33, 165-177. (Persian).
32. Rutten, A. E., Dekovic, M., Stamp, G., J. Schuengel, C., Hoeksma, J., B., & Beista, Gj. (2008). On- and of field anti-social and pro-social behavior in adolescent soccer behavior: A multi level study. *Journal of Adolesences*, 31, 371-387.
33. Sandford, A., Duncombe, R., & Armour, K. M. (2008). The role of physical activities/sport in tackling youth disaffection and anti-social behaviour. *Educational Review*, 60(4), 419-435.
34. Seifpanahi Shabani, J. (2009). *Design and development of athletic sports development strategy Kurdistan*. (unpublished master's thesis). Tehran University, Tehran. (Persian).
35. Shahbazi, M., Salami, M., Sadeghi, M., & Shirzadi, R. (2016). *The foundations of Tehran's sports sociology* (2nd ed.). Tehran: Bamdad Ketab.
36. Talebzade, F., & Jafari, P. (2012). How does sport and art could be effective in filed of social, cognitive and emotional learning. *Procedia-Social & Behavioral Sciences*, 47, 1610-1615.
37. Taylor, M. F., & Khan, U. (2011). Skate-park builds, teenaphobia and the adolescent need for hang-out spaces: the social utility and functionality of urban skate parks. *Journal of Urban Design*, 16(4), 489-510.
38. Thorpe, H., & Olive, R. (2016). *Women in action sport cultures: Identity, politics and experience*. Basingstoke: Palgrave, 4, 1-11.
39. Thorpe, H., & Wheaton, B. (2015). *Understanding and responding to the trends of young people: Action sports in New Zealand communities*. Paper presented at the Sport New Zealand Annual Conference, Auckland.
40. Turman, P. D. (2008). Coaches' immediacy behaviors as predictors of athletes' perceptions of satisfaction and team cohesion. *Western Journal of Communication*, 72(2), 162-179.
41. William, E., & Brudzynski, L. (2008). Motivations and barriers to exercise among college student. *Journal of Exercise Physiology Online (JEPonline)*, 11(5), 1-11.

استناد به مقاله

کریمی، جواد، عباسی، همایون، عیدی، حسین. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه داده بنیاد. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۳۰۶-۲۸۵. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6136.1500

Karimi, J., Abbasi, H., Eydi, H. (2019). Sociological Explanation of Social Consequences of Participation in Sport based on Grounded Theory. Research on Educational Sport, 7(16): 285-306. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.6136.1500



Sociological Explanation of Social Consequences of Participation in Sport based on Grounded Theory

J. Karimi¹, H. Abbasi², H. Eydi³

1. Ph.D. Student of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah
2. Assistant professor of sports management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah*
3. Assistant professor of sports management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah

Received: 2018/07/21

Accepted: 2018/10/16

Abstract

This research was conducted with the aim of studying the social consequences of participation in sport, based on the data theory of the foundation. The present study was conducted within the framework of a qualitative approach and the required data were collected using semi-structured interviews. The statistical population of this study was all experts in social participation in sport, including sports management professors (6 students), sociology (6 people) and experts in sports and youth departments (5 people). The sampling method was snowball mode. The data collection method was a study of previous research and a deep and open interview. To assess credibility, transfer, and verifiability, they provided the participants with the findings of the research, and they examined the text of the theory and their views. The method used for reliability was an intra-subject agreement method. The average agreement within the subject was 0.75. The software used by MAXQDA version 10. Based on the findings of semi-structured interviews, the most important outcomes of social participation in sport include social cohesion, social trust, health dimension, educational and ethical dimension, vitality, social relationships, social identity and social harm reduction. Proposed strategies derived from research include the provision of infrastructure, the placement of sports in general culture, and the rules for sports participation.

Keywords: Social, Outcome, Grounded Theory, Participation, Sport

* Corresponding Author

Email: habbasi003@gmail.com